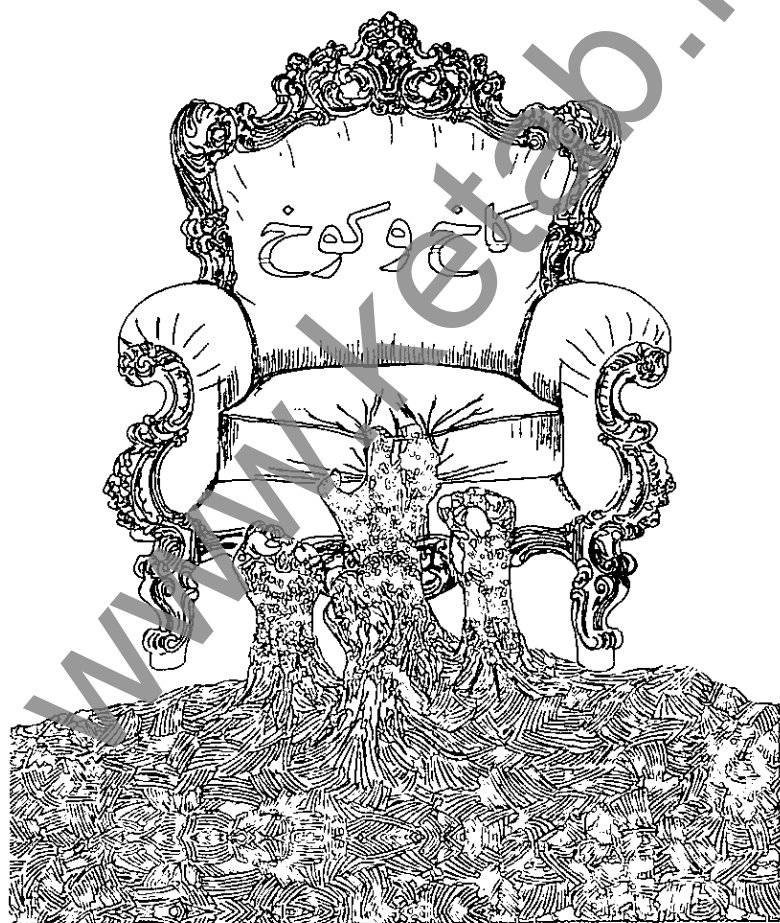




سرشناسه: الهی فرد، مهدی، ۱۳۶۰

عنوان و نام پدیدآور: کاخ و کوخ/مهدی الهی فرد؛ دفتر مطالعات پایداری حوزه هنری خراسان شمالی

عنوان دیگر: انقلاب اسلامی در شیروان به روایت مردمی / وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: ایران — تاریخ — انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ — شیروان

موضوع: ایران — تاریخ — انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ — خاطرات

موضوع: ایران — تاریخ — پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ — خاطرات

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری (خراسان شمالی). دفتر ادبیات پایداری

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر / رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۷ الف ۹۵ ش / DSR ۱۵۶۰

رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۰۸۶۹۵



کاخ و کوخ

انقلاب اسلامی در شیروان به روایت مردمی

نویسنده: مهدی الهی فرد

ویراستار: آمنه نوری

طراح جلد: سعید رضوانی

طراح و صفحه آرا: پرستو ضیائی داوری

پژوهش: مهدی جنتی، سعید ساسانیان، مهدی الهی فرد

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۹۲ ص

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۵۳۸-۵

مجموعه آثار مکتوب حوزه هنری خراسان شمالی/ ۱۷

ادبیات پایداری/ ۷

حوزه هنری خراسان شمالی: بجنورد، چهارراه شهدای دانش آموز، خیابان گلچین، پلاک ۷۵/ ۴-۲۲۸۸۱۱۳-۵۸۴

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

## فهرست

| صفحه | راوی                | عنوان                       |
|------|---------------------|-----------------------------|
| ۱۱   | نویسنده             | مقدمه                       |
| ۱۳   | محمد یوسف قربانی    | توبه خان!                   |
| ۱۴   | حسین توفیقی         | رعین های مهدوی              |
| ۱۵   | علی اکبر بهجتی      | کارخانه قند                 |
| ۱۶   | محمد یوسف قربانی    | دعا برای میلانی زاده        |
| ۱۷   | محمد یوسف قربانی    | تشویق مغازه دار بر روی منبر |
| ۱۸   | حسین توفیقی         | سربازی                      |
| ۲۰   | محمد حسن قربانی     | کمک به فقرا                 |
| ۲۱   | محمد یوسف قربانی    | چرا زنم را بوسیدی!          |
| ۲۳   | محمد یوسف قربانی    | پاسبان محله                 |
| ۲۵   | محمد یوسف قربانی    | ابهت گروهیان ۳              |
| ۲۶   | علی اکبر بهجتی      | خوش رقصی                    |
| ۲۷   | علی اکبر بهجتی      | و سلامتی شاهنشاه آریامهر    |
| ۲۸   | محمد یوسف قربانی    | رند نظر باز                 |
| ۳۰   | حسین توفیقی         | نماینده مردمی شاه           |
| ۳۱   | محمد یوسف قربانی    | انتخابات آزاد مردمی!        |
| ۳۲   | محمد یوسف قربانی    | نماینده بی سواد             |
| ۳۳   | حسین توفیقی         | دُنقَر شیارَدَن چَنخمید     |
| ۳۴   | حسین توفیقی         | شاه رو دعا نکردم            |
| ۳۵   | قربانعلی محمدی مقدم | متأسفانه به شاه نخورد!      |
| ۳۶   | حسین توفیقی         | اذان مورد قبول ساواکی‌ها!   |
| ۳۷   | علی اکبر بهجتی      | قراضه ژاندارم‌ها            |

| صفحه | راوی              | عنوان                          |
|------|-------------------|--------------------------------|
| ۳۸   | علی اکبر بهجتی    | خیلی گردن کلفت است             |
| ۳۹   | محمد یوسف قربانی  | جشن دوهزار و پانصد ساله        |
| ۴۰   | محمد یوسف قربانی  | این حاج آقا خمینه!             |
| ۴۱   | محمد یوسف قربانی  | اجازه بده سوراخش کنیم!         |
| ۴۲   | حسین توفیقی       | جامه‌ری                        |
| ۴۳   | محمد یوسف قربانی  | شاه؛ یعنی خرا!                 |
| ۴۴   | علی اکبر بهجتی    | نقطه ضعف                       |
| ۴۵   | حسین توفیقی       | آمریکا پشیمان شاهه             |
| ۴۶   | محمد یوسف قربانی  | جی‌جو!                         |
| ۴۷   | اسماعیل سهیل      | یادش رفته بود که شاه دوست است! |
| ۴۸   | محمد حسن قربانی   | وقتی شمر جاوید شاه می‌گوید!    |
| ۴۹   | حسین لشگریان      | اساس قانونی!                   |
| ۵۰   | محمد یوسف قربانی  | سردسته چماق به دست‌ها          |
| ۵۱   | محمد یوسف قربانی  | دُهل و سُرنا                   |
| ۵۲   | محمد یوسف قربانی  | اشاره                          |
| ۵۳   | عباسعلی کدومرئی   | خمینی‌ها رو سوار نمی‌کنم       |
| ۵۴   | محمد یوسف قربانی  | موسی قشمار                     |
| ۵۵   | حسین توفیقی       | فرد ناشناس                     |
| ۵۶   | حسین توفیقی       | روحانی بدشانس                  |
| ۵۸   | محمد باقر سعادت‌ی | سنگ پرانی، با لباس روحانیت     |
| ۶۰   | محمد یوسف قربانی  | تحصن                           |
| ۶۱   | محمد یوسف قربانی  | آقا بزرگ                       |
| ۶۲   | محمد یوسف قربانی  | پوتین‌ها تو دربیار             |
| ۶۳   | علی اکبر بهجتی    | شهادتین، رو مناره مسجد         |
| ۶۴   | محمد حسن قربانی   | ادامه تحصن، به صلاح نیست       |

| صفحه | راوی                  | عنوان                          |
|------|-----------------------|--------------------------------|
| ۶۵   | محمد یوسف قربانی      | فری نگهبان                     |
| ۶۷   | اسماعیل سهیل          | اقتدار انقلابی‌ها              |
| ۶۸   | حسین توفیقی           | به ما ربطی ندارد!              |
| ۶۹   | حسین توفیقی           | حمله به خانه سلطو              |
| ۷۰   | محمد یوسف قربانی      | تشیع جنازه، ممنوع              |
| ۷۱   | علی اکبر بهجتی        | این سند جنایت پهلوی ست         |
| ۷۵   | عباسعلی کیومرثی       | چرا ناراحتی؟!                  |
| ۷۶   | محمد حسن قربانی       | شیرینی انقلاب!                 |
| ۷۷   | محمد حسن قربانی       | تلویزیون حرامها                |
| ۷۸   | عباسعلی کیومرثی       | تلویزیون شاد دوست محله         |
| ۷۹   | محمد یوسف قربانی      | دو روز تأخیر                   |
| ۸۰   | محمد یوسف قربانی      | کلانتر شهر                     |
| ۸۱   | محمد یوسف قربانی      | جناب رویاه!                    |
| ۸۲   | جلیل موفق             | اسب‌تازان شمال خراسان          |
| ۸۳   | اسماعیل سهیل          | اولین انتخابات                 |
| ۸۴   | محمد یوسف قربانی      | سرخیلی‌ها کلاه رفت             |
| ۸۵   | اسماعیل سهیل          | کاخ و کوخ                      |
| ۸۶   | محمد یوسف قربانی      | ایدئولوگشان نیامد              |
| ۸۷   | محمد یوسف قربانی      | تکلیف اینه                     |
| ۸۸   | اسماعیل سهیل          | اشغال دفتر بنی‌صدر             |
| ۸۹   | آیت‌الله ادیب اصفهانی | شعر! دست دزدان همه بر شانه شاه |
| ۹۱   |                       | راویان کتاب                    |



هر وقت می‌خواستند مردم شهرهای شمال خراسان را بترسانند می‌گفتند چماق‌به‌دست‌ها، از شیروان و قوچان می‌آیند سر وقتان، مردم هم، بیشتر از آنکه از حکومتی‌ها، بترسند؛ از چماق‌به‌دست‌ها، وحشت داشتند. مکرر آمده بودند و شیشه‌ها، مغازه‌ها را شکسته و انقلابیون را لت‌وپار کرده بودند؛ حتی منزل حاج آقا مهمان‌نواز، بزرگ‌روحانی بجنورد را هم آتش زده بودند.

شاید ابتدا، کمی عجیب به نظر برسد که چطور شهر کوچکی مثل شیروان، بیش از هزار چماق‌به‌دست در خود جای داده باشد؛ اما بررسی وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی شیروان قبل از انقلاب، ما را به فلسفه وجودی این همه چماق‌دار نزدیک می‌کند.

کتاب پیش‌رو که حاصل چندین ماه تحقیق و پژوهش و مصاحبه از راویان مورد وثوق شیروان است و به زبان ساده‌ای نگاشته شده است، تا حدودی پرده از این واقعیت برمی‌دارد. با بررسی این خاطرات، به سه عامل می‌رسیم:

۱. وجود کارخانه قندی که محل ارتزاق بیش از هزار نفر بود و رئیس‌ش هم بهایی بود و از نزدیکان دربار پهلوی. و بعضی‌ها از ترس بی‌کارشدن، چماق‌شان را بر سر انقلابیون می‌کوبیدند.

۲. شخصیتی به نام سلطان رضایی، گله‌دار بزرگ منطقه که برای خودش دارودسته‌ای تفنگ‌دار، اجیر کرده بود. آن قدر هم در دستگاه امنیتی رژیم نفوذ داشت که ارتش و ژاندارمری و شهربانی شیروان و قوچان، ازش حساب می‌بردند.

۳. ترس پیرمردها، از حاکم شدن مرام کمونیستی و بازگشت دوباره شوروی. آخر پیرمردها، هنوز فقر و فلاکت سسی و چند سال قبل که دلیلش اشغال شیروان به دست شوروی بود را به یاد داشتند. و چنین تصویری بود که بعضی‌ها شده بودند حامی شاه و مخالفینش را هم کمونیست می‌دانستند.

حالا در چنین جو خفقان و رعب و وحشتی، دم زدن از امام و انقلاب، کاری بود بس بزرگ که فقط از دست مردانی مرد برمی‌آمد و انقلابیون شیروان، چنین بودند. دل و جگر شیر داشتند و ایمانی راسخ که این کتاب، گوشه‌ای از آن رشادت‌ها را به نمایش گذاشته است.